

بررسی شناخت سیاست‌های اقتصادی به کار گرفته شده توسط شاهان هخامنشی از منظر باستان شناختی

زهرا یاراحمدیان^۱، رضا مهرآفرین^۲

^۱ کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه مازندران

^۲ مدرس دانشگاه مازندران

چکیده

هخامنشیان اولین اقوامی بودند که توانستند شاهنشاهی بزرگ ایرانی را بر پایه‌ی ساختار منطقی و منظم سیاسی، اقتصادی و نظامی در قرون ۶ تا ۴ ق.م بنیان گذارند. لذا به جهت ایجاد اقتدار سیاسی حاصل شده، اصلاحات عظیم اقتصادی و مالی را برقرار نمودند. آثار باقی مانده از هخامنشیان مشخص می‌کند که شاهنشاهی هخامنشی نقش حائز اهمیتی در تسریع رشد اقتصادی داشته است. لذا با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر تلاش دارد با اتکا بر آثار و منابع موجود از منظر باستان شناسی چگونگی سیاست‌های اقتصاد هخامنشیان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. این تحقیق بر اساس هدف، از نوع بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. براساس روش کتابخانه‌ای سعی بر استفاده از منابع معتبر و قابل اعتبار تاریخی و منابع هنری بوده و در روش میدانی تلاش شده است تا با مشاهده آثار تاریخی بر جای مانده از دوره هخامنشی اطلاعاتی در زمینه‌ی موضوع مورد بحث به دست آید. محدوده‌ی مکانی این پژوهش، از شرق به رود سند، از غرب به دریای مدیترانه و نیل، از شمال به دریای خوارزم (آرال) و از جنوب تا حاشیه‌های جنوبی دریای پارس کشیده شده و محدوده‌ی زمانی آن دوره‌ی امپراتوری هخامنشی است. نتایج نشان داد که از تحولات بی نظیر اقتصادی در این دوران می‌توان به تقسیم گستره امپراتوری هخامنشی به ساتراپی‌های مختلف جهت سهولت بخشیدن در اخذ مالیات، گسترش راه‌های ارتباطی در دریا و خشکی و شکل‌گیری تجارت جهانی و بهره‌مندی از نظام پولی و ضرب سکه و ورود وزنه‌های مشخص در امر تجارت، اشاره نمود. در مجموع می‌توان بیان داشت که این شرایط برای هخامنشیان منابع درآمدی حائز اهمیتی را فراهم ساخته است.

واژه‌های کلیدی: هخامنشی، سیاست‌های اقتصادی، تجارت، راه‌ها، مالیات، کشاورزی

مقدمه

هخامنشیان به منزله حفظ تعادل نظام سیاسی- اجتماعی خود به فعالیت ها و روابط اقتصادی نیازمند بودند. بدین جهت بخشی از سیاست‌های اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی نیز به ایجاد رفاه اقتصادی، تشویق تولید، فراهم ساختن زمینه لازم جهت توزیع و مبادله کالا و نیز خدمات اقتصادی اختصاص داشته است. آثار باقی مانده از هخامنشیان به صراحت مشخص می‌کند که شاهنشاهی هخامنشی نقش حائز اهمیتی در تسریع رشد اقتصادی داشته است. به طوری که سازمان اقتصادی در این دوران از همان آغاز پیدایش، دارای رویکرد گسترش یابنده و در برخی موارد انحصارگران بوده است. لذا با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر تلاش دارد با اتکا بر آثار و منابع موجود از منظر باستان شناسی چگونگی سیاست‌های اقتصاد هخامنشیان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

هخامنشیان حکومت خود را ابتدا از استان پارس شروع و با شکست حکومت ماد و تصرف لیدیه و بابل توسط کوروش و فتح مصر توسط کمبوجیه توانستند وسعت قلمرو شاهنشاهی خود را افزایش دهند. این پادشاهان در دوران زمامداری خود، از سیاست اقتصادی و اجتماعی عاقلانه‌ای که کمابیش بر اساس خواسته‌های کشورهای وابسته بود، پیروی می‌کردند. در زمان داریوش علاوه بر گسترش فتوحات و ایجاد نظم در منطقه، اصلاحاتی هم در نظام‌های مختلف کشور از جمله نظام اقتصادی صورت گرفت که باعث شکوفایی و رونق اقتصادی جامعه‌ی آن زمان شد. از نمونه‌های آن می‌توان به تقسیم امپراتوری هخامنشی به بیست ساتراپ و انتخاب فرمانروایی برای هر کدام از آن ساتراپ‌ها، ایجاد راه‌های ارتباطی بری و بحری بین نواحی مختلف حکومت، دستگاه‌های کاملاً متعادل تحصیل مالیات، توسعه‌ی کشاورزی و تجارت، ایجاد پول واحد به وسیله ضرب سکه‌های دریک و شکل به منظور تسهیل مبادلات و تنظیم زندگی اقتصادی مردم و سیاست های متری و ایجاد بانک خصوصی اشاره کرد که بدیع محسوب می‌شدند (احتشام، ۱۳۵۵، ۱۰۲).

کتاب تاریخ امپراتوری هخامنشیان اثری است دوجلدی نوشته‌ی پی یر بریان که در این اثر پژوهشی گسترده در باب امور اقتصادی و فرهنگی از قبیل تجارت جهانی، قوانین، وضع کشاورزی، برده‌داری، مالیات، نظام پولی، خزانه و بازرگانی انجام داده شده است (بریان، ۱۳۷۹). ایران از آغاز تا ظهور اسلام: نوشته‌ی رومن گریشمن و در آن اوضاع سیاسی، اقتصادی، دینی و اجتماعی هر دوره بیان شده است. از جمله مباحث اقتصادی آن می‌توان به وضع کشاورزی، بازرگانی و روابط تجاری هر عهد اشاره کرده است (گریشمن، ۱۳۸۶). داریوش و ایرانیان: اثر والتر هینتس و در آن به اوضاع اقتصادی، مالیات اقوام خراجگذار، مشاغل مالی و وضعیت اشتغال در دوره ی هخامنشی اشاره شده است (هینتس، ۱۳۸۶). ایران در زمان هخامنشی: نوشته‌ی مرتضی احتشام که در این کتاب تلاش کرده است تا همه‌ی جنبه‌های حکومت هخامنشی را مورد مطالعه قرار داده شود و همچنین اشارات مختصری به بحث اقتصادی هم داشته است (احتشام، ۱۳۵۵).

پیشینه تاریخی هخامنشیان

تمدن هخامنشی یکی از ادوار تاریخی برجسته و درخشان ایران است که حدود دو قرن و ربع (۵۵۹-۳۳۰ ق.م) در انتها حد شکوه و قدرت بر قسمت دنیای متمدن روز فرمانروایی کردند. آنان از منظر پیشرفت در تمدن و هنر و نیز نگهداری و توسعه فرهنگ کشورهای شرق قدیم و ترویج دانش و تشویق هنرمندان و جذب دانشمندان، همچنین احداث کاخ های عظیم و ایجاد راه های شوسه و ضرب مسکوکات و پیشرفت‌های امور و فنون کشاورزی و دامداری و تقویت بنیه اقتصادی و تشکیلات منظم مملکت داری، برای سایر سلسله های تاریخی ایران امتیاز خاص و پایگاهی ارجمند داشته اند. حدود این شاهنشاهی به طور

تقریب نیمی از آسیا یعنی از آن طرف سیحون تا قسمتی از قاره اروپا و از هند تا وسط آفریقا کشیده می شد (سامی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۰).

پادشاهان هخامنشی

کوروش در حدود ۵۳۰ ق.م در نبرد با ماساژت‌ها کشته شد، او پیش از رفتن به نبرد با ماساژت‌ها تدابیر جانشینی کمبوجیه را فراهم ساخته بود و بعد از او کمبوجیه در طی سال‌های ۵۲۲ تا ۵۳۰ قبل از میلاد بر تخت پادشاهی هخامنشیان نشست. کمبوجیه پسر ارشد کوروش بود که در هشت سال آخر عنوان شاه بابل را به خود اختصاص داد، مادر او کاساندان نام داشت. یونانیان کمبوجیه را مستبد می نامیدند (زیدی و نعمت‌پور، ۱۳۹۲: ۴۲). گفته شده است که نسب داریوش به ویشتاسپ نوه آرشام و نواده آریارمنه می رسد. ویشتاسپ و همچنین آرشام والی کشورهای تابع پارس محسوب می‌شده‌اند (کالیگان، ۱۳۸۴: ۶۲).

داریوش احتمالاً در ۵ اکتبر سال ۵۲۲ قبل از میلاد به پادشاهی رسیده است. بعد از برقراری نظم در امپراتوری پهناور هخامنشیان، به تشکیلات امور داخلی و تقسیمات مملکتی و ممالک تابع می پردازد و شورش‌ها را با کمک شش تن از همدستانش فرو می‌نشانند. داریوش بابل را در ۵۲۱ قبل از میلاد فتح کرد. داریوش در طی دو سال ۱۹ جنگ انجام داد و نه نفر را که ادعای پادشاهی داشتند، از میان برداشت. داریوش به نوعی دولت هخامنشی را از نو تأسیس نمود. همچنین وی نخستین شاه هخامنشی بود که شوش را پایتخت قرار داد (زیدی و نعمت‌پور، ۱۳۹۲: ۴۵).

بعد از داریوش پسرش خشایارشا در حدود ۴۸۶ ق.م به جانشینی او برگزیده می شود. خشایار شاه پسر داریوش از همسرش آتوسا، دختر کوروش بود و داریوش قبل از مرگ خود او را به ولیعهدی انتخاب نمود (همان: ۴۶). او پس از آنکه شورش مصر را در سال ۴۸۴ ق.م فرو می‌نشانند، این سرزمین را جزئی از شاهنشاهی پارس و مستعمره او قرار می‌دهد (همان: ۸۰). از مهمترین وقایع زمان او لشکرکشی به یونان و تسخیر آتن در ۴۸۸ ق.م است. خشایارشا در پایان سال ۴۶۵ ق.م در خوابگاه خود به قتل می‌رسد. پس از خشایارشا، اردشیر و اول ملقب به اردشیر دراز دست در سال ۴۶۵ ق.م بر تخت سلطنت می‌نشیند. از جمله اقدامات مهم او می‌توان به انعقاد عهدنامه کیمون با یونانیان اشاره نمود. دوران حکومت اردشیر دراز دست در ۴۲۴ ق.م پایان می‌یابد. آنگاه داریوش دوم به پادشاهی می‌رسد. داریوش دوم در طی سال‌های ۴۰۴ تا ۴۲۴ ق.م حکومت کرده است و پس از مرگ او، اردشیر دوم در سال ۴۰۴ ق.م به پادشاهی رسید و تا سال ۳۵۸ ق.م حکومت کرد. بعد از اردشیر دوم در سال ۳۳۸ ق.م اردشیر چهارم پسر اردشیر دوم به پادشاهی رسید. او مدت کمی و تا حدود سال ۳۳۶ ق.م بر تخت سلطنت نشست. آخرین پادشاه شاهنشاهی هخامنشی، داریوش سوم نام داشت که در سال ۳۳۰ قبل از میلاد به سلطنت رسید. او پس از به قدرت رسیدن با حمله اسکندر و نیز سقوط تخت جمشید مواجه می‌شود. به طوری که عمر سلطنت او و امپراتوری هخامنشیان در حدود ۳۳۰ پایان پذیرفت (ویسی، ۱۳۹۲: ۲۰).

دستاوردهای سیاست‌های به کار رفته از سوی پادشاهان هخامنشی

نخستین شاهان هخامنشی تدابیری را اندیشیدند که به کینه‌های کهن‌نژادی در فلات ایران پایان بخشد. بدین سان، سلسله‌های آینده در همین قلمرو فرهنگی پای گرفتند و میان اقوام آن به جای رقابت دیرین، انس و همدلی حاکم گردید و راهی دراز طی شد تا ایران برای ساکنانش حکم میهن یافت. همچنین بررسی چهره‌های سیاسی و اجتماعی آسیای غربی و

تغییرات آن در میانه هزاره نخست قبل از میلاد نشان می‌دهد که برپایی امپراتوری هخامنشی به جدال‌های رایج در این منطقه در طی هزاره پیشین پایان می‌بخشد و سیاست بکارگیری اقوام گوناگون در یک دستگاه اقتصادی فراگیر آنان را برای پذیرش در ملت همگرا و یکپارچه آماده می‌نماید. همچنین گرامی داشتن رسوم و آزادی بخشیدن به اندیشه‌های گوناگون دینی، زمینه بروز نبردهای تازه را محو می‌گرداند (طاهری، ۱۳۹۰: ۱۳).

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق بر اساس هدف، از نوع بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. گردآوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. براساس روش کتابخانه‌ای سعی بر استفاده از منابع معتبر و قابل اعتبار تاریخی و منابع هنری بوده و در روش میدانی تلاش شده است تا با مشاهده آثار تاریخی بر جای مانده از دوره هخامنشی اطلاعاتی در زمینه‌ی موضوع مورد بحث به دست آید. محدوده‌ی مکانی این پژوهش، از شرق به رود سند، از غرب به دریای مدیترانه و نیل، از شمال به دریای خوارزم (آرال) و از جنوب تا حاشیه‌های جنوبی دریای پارس کشیده شده و محدوده‌ی زمانی آن دوره‌ی امپراتوری هخامنشی است.

اقتصاد در فراز و نشیب در زمان حکومت هخامنشیان

در دوران نسبتاً طولانی حکومت هخامنشیان همواره تحولات مختلفی صورت گرفته است. در این راستا تحولات اقتصادی و اقدامات انجام یافته در این خصوص، یکی از این موارد محسوب می‌شود. معمولاً اقدامات برخی پادشاهان هخامنشی در خصوص اقتصاد، نقش سازنده‌ای در سرنوشت کشور در آن زمان ایفا نموده است. به طوری که درخشش اقتصادی بیشتری را به همراه داشته است. در این میان برخی شاهان فرصت بیشتری جهت انجام راهکارها و تصمیمات لازم اقتصادی را داشته‌اند. برخی نیز درگیر فتوحات خود بوده‌اند. همچنین بعضی نیز اقداماتی در این خصوص نداشته یا مجال آن را به هر شکلی نیافته‌اند.

فراز و نشیب اقتصاد هخامنشیان بر اساس رویکرد پادشاهان (۵۵۰ الی ۳۳۱ ق.م)

هخامنشیان به منزله‌ی حفظ تعادل نظام سیاسی - اجتماعی خویش ملزم به انجام فعالیت‌ها و روابط اقتصادی بوده‌اند. بدین جهت، بخشی از سیاست‌های اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی نیز به ایجاد رفاه اقتصادی، تشویق تولید، فراهم کردن زمینه‌ی لازم برای توزیع و مبادله‌ی کالا و خدمات اقتصادی، اختصاص یافته است. در این راستا سیاست عمده آنان نیز بر اساس منافع اقتصادی ملل تابعه و آزادی اقتصادی استوار می‌گردد. در واقع دو مقوله‌ی تجارت و کشاورزی، پایه اقتصادی آنان به شمار می‌رفته است.

از فتوحات شاهان هخامنشی می‌توان استنتاج کرد که یکی از اهداف عمده آنان، به تعبیر امروزی جهانی‌سازی بوده است. هخامنشیان گونه‌ای اقدام ارادی و هدفمند در جهت تغییر در مناسبات بین‌المللی انجام داده‌اند. در واقع پروژه آنان، گامی در جهت از میان برداشتن موانع اقتصادی و ورود به بازارهای آزاد با از بین بردن مرزهای پادشاهی به شمار می‌رفت. استراتژی سیاسی و اقتصادی هخامنشیان؛ یعنی حضور در دریاها و آزاد و سلطه بر راه‌های تجاری غرب، خواه ناخواه آنان را با قطب‌های اقتصادی آن عصر مانند لودی‌ها، بابلی‌ها، ایونی‌ها، مصری‌ها و دیگر سواحل‌نشینان، درگیر می‌کرد

(یوسف جمالی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۸). در مورد ساختار اقتصادی شاهنشاهی هخامنشی می‌توان گفت که احتمالاً همانند ساختار سیاسی از تنوع برخوردار بوده است. شاید ترکیبی بود از اقتصادهای گوناگون و در عین حال، یک واحد اقتصادی سازمان یافته در دستان شاهان هخامنشی که هرگز آنان از وظیفه متحدسازی این واحد سیاسی - اقتصادی خویش غافل نمی‌شدند. در شاهنشاهی هخامنشی، حوزه های مختلف اقتصادی در کنار یکدیگر موجودیت داشتند (داندامایف، ۱۳۵۸: ۵-۶).

در دوره دو پادشاه بزرگ هخامنشی یعنی کوروش کبیر و کمبوجیه فرصت چندانی جهت پرداختن به اقدامات اقتصادی فراهم نشد؛ اما این نکته هرگز بدان معنی نمی‌باشد که این دو پادشاه هیچگونه تمهیداتی جهت اداره امپراطوری هخامنشی به کار نبسته‌اند. بلکه منظور این است که آنان همچون داریوش کبیر فرصت کافی جهت پرداختن به گسترش امور اقتصادی نداشته‌اند و نتوانستند همچون او تشکیلات منظمی برای اداره امپراطوری ایجاد نمایند. با تمام موارد ذکر شده، کوروش توانست اصل امور مالیاتی امپراطوری را نظم و ترتیب بخشد و با انتخاب متصدیانی لایق، نظارت لازم را بر کارهای آنان انجام می‌داد (گزنفون، ۱۳۸۰: ۳۵۷). قابل ذکر می‌باشد که تشکیل حکومت مرکزی در قسمتی از آسیای میانه و تمامی آسیای غربی که توسط هخامنشیان شکل یافته بود، منجر می‌شد تا جهت تسهیل داد و ستد و امور بازرگانی و یکنواخت کردن مبادله کالا بین اقوام مختلف در سراسر حوزه شاهنشاهی، واحد پول و مسکوک رایجی در نظر گرفته شود (سامی، ۱۳۴۲: ۱۲۶). گفتنی است که تقریباً از دوران بیشتر پادشاهان هخامنشی سکه به دست آمده است (همان، ۱۲۷-۱۲۹)؛ اما آنان به موازات توسعه عوامل اقتصادی، توجه خود را به تاسیس یک ضرابخانه معطوف می‌داشتند. در واقع پادشاهان هخامنشی توانسته بودند سیستم پولی ایران را با وضعیت جدید منطبق نمایند. همچنین تناسبی بین ارزش طلا و نقره قائل شدند و آن را با زندگی تجاری رعایای جدید خود انطباق بخشیدند (احتشام، ۱۳۵۵: ۱۱۸).

از اقدامات حائز اهمیت داریوش به تناسب تعیین نرخ خراج، مشخص ساختن اوزان و مقیاس‌های نو و نیز ضرب سکه طلای جدید یا همان دریک بوده است. قبل از داریوش در سراسر امپراتوری وزن‌های مختلفی برقرار بوده است. همچنین پیمان‌های که براساس آن توزین می‌نمودند، پیمان‌های شاه بود. مقیاس‌های خصوصی نیز از سراسر امپراتوری جمع‌آوری و سپس برچیده شد و تنها پیمان‌های شاه به رسمیت شناخته شد (همان: ۲۵۳). سهولت در امر بازرگانی نیز یکی از موارد مورد توجه پادشاهان هخامنشی بوده است. به طوری که آن‌ها توجه خاصی به جاده‌سازی و خطوط ارتباطی بین شهرها داشته‌اند که از مهمترین آن‌ها می‌توان به جاده شاهی است (بابایی توسکی، ۱۳۹۱: ۵۱). قابل ذکر است که بازرگانی بین‌المللی در این دوره در کمال امنیت صورت می‌پذیرفته است و کاروانیان بدون نیاز به حمایت خاصی در سراسر کشور رفت و آمد به رفت و آمد می‌پرداختند (Dandamayev, ۱۹۹۳: ۵۹-۶۰).

اما آن‌چه که بر اساس الواح ایلامی که مهم‌ترین اسناد موجود برای مطالعه اوضاع اداری و اقتصادی دوره هخامنشی محسوب می‌شود، می‌توان بیان داشت چیزی به نام تعرفه گمرکی در این دوره وجود نداشته است. این امر را شاید بتوان به جهت وسعت امپراطوری هخامنشی که تجارت بیشتر در داخل آن صورت می‌پذیرفت، دانست. اولین اقدامی که در این زمینه انجام گرفت، ایجاد شاهراه و برقراری ارتباط میان مراکز مهم شاهنشاهی به منظور نقل و انتقال سریع سپاه در موارد لازم بود. در این مرحله ی بعدی، هدف از ساختن شاهراه‌ها، حمل و نقل مسافران و کالاها و اجناس از محلی به محل دیگر بود (احتشام، ۱۳۵۵، ۱۱۵). توجه به کشاورزی که یکی از اقدامات پادشاهان هخامنشی و علی‌الخصوص داریوش اول بوده است، سیاست اقتصادی دولت ایران را که مبتنی بر توسعه فعالیت‌های کشاورزی بوده است، نشان می‌دهد. از اقدامات اقتصادی خشایار شاه

(۴۶۵-۴۸۶ ق. م) بعد از داریوش اول، ضرب سکه بوده است (محمودآبادی و زلفی، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

سیاست اقتصادی در دوران هخامنشی

داریوش اول با استفاده از تدبیر و کاردانی خود، سازمان اقتصادی و اداری کشور را سر و سامان بخشید. داریوش امپراتوری خود را به حدود بیست ایالت یا ساتراپی تقسیم نمود و برای هر ایالت، فرمانروایی مقتدر انتخاب کرد. او به منظور گسترش بازرگانی و نزدیک نمودن روابط بین ایالت ها و نیز به منزله ی تامین اهداف سوق الجیشی خود به ساختن جاده‌های بزرگ پرداخت. از جمله ی این جاده ها، جاده ی شاهی است که افسوس را به شوش متصل می ساخت و از دجله و فرات گذر می نمود. همچنین طول آن نزدیک حدود ۲۴۰۰ کیلومتر بوده است. همچنین جاده ای دیگر بابل را به هندوستان متصل می کرد (اومستد، ۱۳۸۶: ۱۸۶). با شکل گیری بانک های خصوصی، می توان گفت که یکی از پدیده‌های جالب اقتصادی در این دوره شکل گرفت. اومستد اشاره می کند که کار وام دادن در دست پرستش‌گاه‌ها بوده است که تنها واحد بزرگ اقتصادی محسوب می شدند. وام های کشاورزی ظاهراً بدون بهره ارائه می شدند (همان: ۶۰۰).

از مدارک و اسناد ارزشمندی که کشف شده است، می توان دریافت که از اواخر دوران داریوش اول به بعد، شاهان هخامنشی صرفاً در فکر گردآوری مالیات و همچنین انباشتن شمش هایی از زر و سیم در گنجینه‌های خود بوده اند. آنان همچنین از سیاست توأم با نرمش و گذشت کورش پیروی نمی نمودند و به هیچ وجه در اندیشه ی سامان بخشیدن و بهبود حیات اقتصادی کشاورزان و سایر طبقات زحمتکش نبوده اند. در صورتی که هزینه های مربوط به خوراک، پوشاک، مسکن و سایر ضروریات زندگی از اواخر دوران داریوش اول قوس صعودی را طی نموده است، درآمد و نیز مزد طبقات مثمر و فعال جامعه همچنان به صورت ثابت مانده بود و به این ترتیب روز به روز از قدرت خرید اکثر افراد جامعه کمتر می شده است. بدون تردید اگر پادشاهان هخامنشی پول های کلانی را که به زور تحت عنوان مالیات از ملل خاورمیانه اخذ کرده بودند، در راه آبادی و یاری رساندن به طبقات فعال جامعه مصرف می نمودند، مودیان مالی به اجبار با نرخ صدی چهل از بانکداران خصوصی وام نمی گرفتند. تدوم این سیاست اشتباه اقتصادی در نهایت منجر به شورش و قیام در بابل، مصر و سایر کشورهای خاورمیانه شده است. به طوری که زمینه ای برای پیروزی سیاست اسکندر یا هر متجاوز خارجی فراهم گردید (همان: ۶۰۰).

شاید بتوان گفت اگر داریوش سوم و شاهان قبل از وی به جای گردآوری کردن شمش های طلا در خزائن شوش، تخت جمشید، پاسارگاد، دمشق و هکمتانه و ظلم و ستم بر ملل تابع، از سیاست کوروش کبیر تبعیت می نمودند، اسکندر اندیشه ی تجاوز به خاک ایران را در ذهن نمی پروراند. در این دوران داریوش بیش از دیگر سلاطین هخامنشی فکر منظم اقتصادی داشت (هردوت، ۱۳۶۸: ۲۲۲). کتیبه های میخی برجای مانده بیانگر آنند که حکومت هخامنشی از دوره ی داریوش به بعد جهت فراهم نمودن راحتی و آسایش خود، گرفتن مالیات و همچنین خراج نواحی مختلف کشور را به افرادی کاردان نظیر اگیبی و پسران و موراشو و پسران و عده ای دیگر واگذاری نموده بود و این افراد تجارت پیشه، خراج هر محل را به پول نقره گردآوری می کردند و به خزانه‌ی شاهی تحویل می‌دادند اما بندگان و مشتریان آن تجارتخانه ها نه تنها خراج از مردم می گرفتند، بلکه فشار های مضاعفی را بر آنان وارد می نمودند طوری که گذران روزگار را برای هر ایالتی سخت می کردند (پطروشفسکی، ۱۳۴۵: ۵۰۰).

از زمان داریوش کبیر مداخله‌ی دولت در امور اقتصادی و میزان مالیاتها بتدریج افزایش یافت. به طوری که سطح قیمت ها که در آغاز شاهنشاهی رو به کندی بوده است و به طور آرامی به سمت بالا می رفته است، از آغاز پادشاهی داریوش اول سرعت

قابل توجهی یافته است و همین بالا رفتن قیمت ها و پایین آمدن قدرت خرید مردم، منجر به از هم پاشیدگی اقتصادی حکومت هخامنشی در ادوار بعد شده است. به طوری که می توان اشاره داشت که در دوره ی کورش و کمبوجیه قاعده ی ثابتی در خصوص پرداخت مالیات وجود نداشته است و صرفا سرزمین های تابعه هدایایی را به شاه تقدیم می نمودند؛ اما از زمان داریوش میزان پرداخت مالیات هر یک از ملل تابع مشخص گردید. به همین جهت، هرودوت می نویسد که ایرانیان آن روز «داریوش را کاسب (خرده فروش) کمبوجیه را مستبد و کورش را پدر می خواندند». زیرا اولی در همه چیز چانه می زد، دومی خشن و بی قید خوانده می شد و سومین پادشاه نیز اخلاقی ملایم داشت و خدمتگذار خلق بود (عبدالخانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲).

مالیات ها

بعد از قدرت یافتن هخامنشیان و وسعت یافتن قلمروی سلطنتی آن ها، پارسی ها رفته رفته به عنوان قوم فرمانروا از پرداخت نمودن باج ها معاف گردیدند (هرودوت، ۱۳۳۹: ۲۲۴). اومستد در خصوص وضعیت مالیات دهندگان عنوان می دارد که: «باجهای سنگین همان نتیجه ای را در یهود به بار آورد که پیش از این در بابل دیدیم. فریاد دردناک این یهودیها و زنبایشان در واقع فریاد همه ی مردمان شاهنشاهی پارسی بود» (همان: ۴۶۸).

سازمان مالیاتی یکی از سازمان های اقتصادی هخامنشیان محسوب می شده است که درآمدهای دولت از آن به دست می آمده است. مسئله مالیات، به امور اقتصادی و عمرانی دیگری ارتباط داشته است. نخستین اقدامی که در این زمینه صورت گرفت، درقدم اول ایجاد شاهراه ها و برقراری ارتباط لازم بین مراکز حائز اهمیت شاهنشاهی جهت نقل و انتقال سریع سپاه در موارد لزوم بوده است و در قدم بعدی، حمل و نقل مسافرها، کالا و کالاهای از مکانی به مکانی دیگر می باشد (احتشام، ۲۵۳۵: ۱۱۵). می توان بیان داشت که متکی بودن امپراتوری هخامنشی بر مالیات های اخذ شده از شهرها و بازرگانان شهری، منجر به توسعه ی شبکه های ارتباطی و بازرگانی بین المللی در قلمرو شاهنشاهی هخامنشی می شده است که جهت دوام سازمان سیاسی در آن زمان ضرورت داشته است (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۱۱).

داد و ستد، تجارت، راه ها و شبکه های بازرگانی

استقرار شاهنشاهی هخامنشی در سرتاسر آسیای غربی و خاتمه بخشیدن به قدرت فئودال ها و حاکمان این منطقه، تمرکزی بی سابقه را ایجاد نموده است که عاملی مهم در جهت پیشرفت فعالیت های تجاری و بازرگانی محسوب گردید. علاوه بر آن می توان به سیاست اقتصادی داریوش کبیر و سعی وی در تامین راه های تجاری و وسایل ارتباطی و در نظر گرفتن مقیاس ها و وزنه های جدید و همچنین رواج سکه و پول واحد در سرزمین های شاهنشاهی و نظارت دولت در امور اقتصادی، تحرک و جنبش قابل توجه در امور تجارت و بازرگانی ایجاد اشاره نمود. گریشمن در این خصوص عنوان داشته است که: همراه با توسعه ی تجارت جهانی، سطح زندگی بطور آشکاری در ایران عهده هخامنشی صعودی گردید و علی الخصوص در بابل، سطح زندگی بالاتر از یونان بود. روابط تجاری بین نواحی که در گذشته وجود نداشت (مثل بین بابل و یونان) ایجاد شد و توسعه یافت. اروپای جنوبی داخل در روابط اقتصادی با آسیای غربی گردید. تجارت مستقیم از حدودی که در هزاره ی دوم ق.م. صورت می گرفت بندرت تجاوز می نمود (اومستد، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

هخامنشیان و خصوصا داریوش کبیر با ضرب سکه و همچنین گسترش پراکندگی آن، به توسعه راه های قبل و ایجاد راه های جدید و به خصوص راه شاهی و نیز فراهم نمودن تسهیلات برای تجار و بازرگانان برای اولین بار توانستند رونق و گسترش تجارت داخلی و خارجی را به صورت نظام مند و سیستماتیک فراهم نمایند. آنها از طریق ایجاد جاده های جدید و استفاده ی

آن از سوی کاروان های تجارتي، تسهیل حمل و نقل را امکان پذیر ساختند و همچنین حجم مبادلات بازرگانی را افزایش دادند. به طوری که می توان بیان داشت افزایش مبادلات و تماس اقوام در ایالات شاهنشاهی، تحول تازه ای را ایجاد نمود (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۱۳۶). داریوش کبیر پی برد که از راه دریا سفر از ایران به مصر امکان پذیر می شود و در این راستا نه تنها صرفاً در اندیشه تاثیرات اقتصادی موفقیت آمیز مسیر آبی از دریای مدیترانه به دریای سرخ و سپس خلیج فارس و اقیانوس هند بود، بلکه به دنبال آن بود تا با تکمیل موفقیت آمیز این پروژه تابعان خود را نیز تحت تاثیر کار شگرفی قرار دهد (ولایتی، ۱۳۸۸: ۹۰). در واقع می توان بیان داشت که تجارت دریایی از نظر زمان، هزینه و امنیت به مراتب با صرفه تر از تجارت از راه خشکی بود. این نوع تجارت در دوره هخامنشیان منجر به توسعه و رونق آن گردید (نظری و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۸).

در دوره هخامنشی تجارت درون مرزی و برون مرزی از روندی سریع برخوردار بوده است. طولانی ترین مسیر کاروان ها مسیر جاده شاهی بود که حدوداً ۲۴۰۰ کیلومتر مسافت داشته است و از سارد در آسیای صغیر و از طریق بین النهرین و جنوب دجله به شوش اتصال می یافت. همچنین ایستگاه هایی با خدمات رفاهی در هر ۲۰-۳۰ کیلومتر در امتداد این جاده قرار داشته است. (Hallock, 1969: 6) در مجموع می توان بیان داشت که در دوره ی هخامنشیان بین راه و راه سازی با گسترش شاهنشاهی و تشکیل یا توسعه ی نهادها و سازمان های اداری و مالی ارتباطی وجود داشته است. با توجه به تغییر چشم گیری که در زمینه های علمی، اجتماعی و اقتصادی در دوران شاهنشاهی هخامنشی در سرزمین های تحت سلطه ی آنان ایجاد شد، تحولی شگرف در دنیای باستان رخ داد. تحولی که منجر به پیشرفت های بزرگی، حتی بعد از دوران های اشکانی، ساسانی و رومی صورت گرفت.

از سایر اهمیت های راه های و شبکه های ارتباطی در دوران هخامنشیان می توان به بازرگانی جهانی در شاهراه های ایران هخامنشی اشاره نمود (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۰).

در هر صورت داریوش اول با هدف رونق بخشیدن به بازرگانی بین المللی، از هیچ نوع تلاشی در دوران زمامداری خود دریغ ننموده است. به طوری که این نکته از نوشته های تاریخی، الواح تخت جمشید و حتی سنگ نبشته های خود داریوش، قابل درک می باشد. از جمله کارهای بزرگ عمرانی این پادشاه می توان به ساخت، بازسازی و در نهایت بهره برداری از بزرگراه های شاهی، مانند بزرگراه شوش - سارد (از خوزستان تا غرب ترکیه ی امروزی)، اشاره نمود (بریان، ۱۳۷۷: ۶۰۴-۵۹۱).

داریوش علاوه بر جاده های خشکی، در فکر بازسازی و تکامل بازرگانی در راه های دریایی نیز بوده است. او چند اقدام دیگر نیز انجام داد که تا حدی با هدف ترغیب تجارت صورت گرفته بود، اما ظاهراً از این اقدامات، مقاصد استراتژیک را دنبال می نموده است. سفر اکتشافی از انیدوس تا سوئز و نیز سفر سیلاکس اهل کاریندا که سرانجام گشایش گذرگاه آبی سوئز را در گفته های قبلی به اجمال به آن پرداخته ایم، از جمله نتایج این اقدامات بود که خود از اقدامات فراعنه ی قبلی اقتباس یافته بود (کوک، ۱۳۸۶: ۲۶۲). بعد از راه اندازی راه های دریایی، داریوش به منزله ی ایجاد سهولت در بازرگانی دریایی اقدام به نوآوری هایی، نظیر پایه گذاری شرکت های کشتی سازی و کشتی رانی، نمود. به طوری که می توان تصور نمود در این زمان علاوه بر ناوهای سربازبر، کشتی های بازرگانی سرزمین های تابعه نیز در دریاها و رودها به طور فراوان رفت و آمد می نموده اند. کشتی هایی بزرگ که دارای ظرفیت صد تا دویست تن برای عبور از رودهایی نظیر رود دجله و فرات، سند، نیل و کارون را داشته اند (سامی، ۱۳۸۹: ۱۶۲).

ابزار داد و ستد و واحد پول

ایجاد حکومتی واحد در قسمتی از آسیای میانه و تمامی آسیای غربی به وسیله ی هخامنشیان، این شرایط را به وجود می آورد که جهت داد و ستد و امور بازرگانی و همچنین یکنواخت ساختن وسیله‌ی مبادله‌ی کالا بین اقوام مختلف در سرتاسر حوزه پادشاهی، واحد پول و مسکوک دائمی رایج شود (سامی، ۱۳۸۹: ۱۱۳). در دوره هخامنشی تجارت و بانک‌داری علی‌الخصوص پس از غلبه بر بابل (۵۳۹ ق.م) گسترش قابل توجهی یافت. به طوری که تاجران پارسی روش های بانک‌داری بابلی‌ها را آموختند. آن‌ها از کاروان‌ها و ناوگان دریایی جهت حمل کالاهای خود بین هند و ایران بهره می گرفتند. به طوری که می توان بیان نمود اسناد (قبوض) بانکی وسکه های طلا (دریک) در ایران برای نخستین بار در دوران داریوش کبیر و بعد از تسلط بر لیدی (۵۱۶ ق.م) مورد استفاده قرار گرفته است (Chachi, 2005: 8).

وقتی که داریوش توانست نظام اداری و مالی را قوام بیشتری ببخشد، به لزوم ضرب سکه آگاه شد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۱). در واقع پادشاهان هخامنشی خود اقدام به ضرب سکه نمی کردند (نظری و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۱). به طور کل سکه‌های هخامنشی به دو دسته دریک و شکل وجود داشته اند (تصویر شماره ۱) که هر کدام کارکرد خاص خود را داشتند. به طوری که شکل با مقیاس وزن بابل، بیشتر در امور تجارت داخلی و تحت عنوان واحدی کاربرد داشته است، اما سکه ی طلا با واحد وزن ایوبیک آتیک جهت تجارت فرامنطقه‌ای و بین‌المللی به کار می رفته است (Alraam, 1994: 5). از معمول ترین دلایل رواج یافتن سکه‌ی دریک می توان به نظم در وزن و همچنین مبادله آسان آن در معاملات و تجارت اشاره نمود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۲). قابل ذکر است که سکه‌های طلا و نقره با وجود ازدیاد، باز هم نیازهای تمامی مردم را در امر داد و ستد فراهم نمی نموده است و بسیاری از معاملات، از طریق جنس صورت می‌گرفته است، که این امر بیشتر در ناحیه ی شرق شاهنشاهی هخامنشی رواج داشته است (همان).



تصویر ۱: سکه های دوران هخامنشی: دریک (سمت راست) و شکل (سمت چپ) (تندولی و باقری لری، ۱۳۹۴: ۱۲).

بابلون معتقد است که در اواخر دوران پادشاهی شاهنشاهان هخامنشی سکه‌ی موسوم به دودریکی که حدود ۱۶/۶۵ گرم وزن داشته است، به وجود آمده بود (تصویر شماره ۲) (بابلون، ۱۳۸۸: ۶).



تصویر ۲: سکه ی دو دریکی، دوران هخامنشی (تندولی و باقری لری، ۱۳۹۴: ۱۴).

به طور کل سکه های هخامنشی سه گروه را تشکیل می دادند: الف) سکه های شاهان هخامنشی. ب) سکه های ساتراپی های هخامنشی. ج) سکه های امیران تابع فرمانروای هخامنشی.

الف) سکه های شاهان هخامنشی: به دو صورت دریک از طلا و شکل از نقره ضرب می شده اند که روی سکه به طور معمول نقش شاه به صورت نیزه دار به جز سکه های داریوش سوم که شاه را خنجر به دست می نمایند و پشت آن فرورفتگی نامنظمی مشاهده می شده است. سکه ی دو دریکی نیز در زمان داریوش سوم ایجاد گردید. بر روی سکه های مذکور شیارهای موج، یا نقش دو هلال و یا نقش قسمت جلوی کشتی قابل مشاهده می باشد (تصاویر شماره ۱ و ۲).

ب. سکه های ساتراپی های هخامنشی: علاوه بر دریک که مخصوص ضرابخانه های سلطنتی بود، ممالک تابعه و شهرهای یونانی آسیای صغیر در تصرف ایران و فرمانروایان (ساتراپ) تعیین شده از سوی شاه، حتی فرمانروایان ارتش مجاز بودند تا هر یک جداگانه از فلزی که تمایل داشتند، سکه ضرب نمایند. در بعضی ساتراپ ها، فرمانروایان محلی که از شاهزادگان و بزرگان پارس یا ماد بوده اند، اجازه ضرب سکه داشتند. سکه های طلا در مرکز ضرب می گردید. در حالی که حاکمان فقط اجازه داشتند سکه نقره ضرب نمایند (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). بر روی سکه های هر شهر یا ساتراپی، نقش هایی که نشان گر اقتدار و ویژگی خاص هر کدام از آن ها بوده ضرب می گردید. روی آن ها به طور مکرر نقش سر یک مرد تصویر می شده است که اگر حاکمان محلی باشد، آغازگر نمایش تصویر قدرت های محلی روی سکه ها به شمار می روند. با این حال دستگاه دیوانی در انتخاب هر کدام از نقوش آزاد بوده است (لیندزی، ۱۳۹۰: ۲۲۲). این سکه ها اغلب دارای نوشته سه خط آرامی هستند و در ضرابخانه های سلطنتی ضرب می شدند.

ج) سکه های امیران تابع فرمانروایی هخامنشی: این سکه ها به ایالاتی از قبیل کاری، لیبی، کتیوم، سالامین، قبرس، فنیقیه و غیره تعلق داشته اند. زمانی که آن ها تحت اطاعت هخامنشیان در آمدند، استقلال داخلی خود را حفظ نموده و در شرایط کاملاً آزاد، سکه ضرب نمودند و از لحاظ نقش نیز اختیار دار بودند و به دلخواه، نقوش مربوط به مذهب و خدایان مورد ستایش و خط محلی خود را به کار می بردند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۱۶). نقش های مذکور با زمینه ی خاص محلی، معانی و مضامین محلی خاص خود را دارا بوده است. سکه ای که بر یک روی آن، شاه سوار بر اسب و بر روی دیگر نقش کشتی منقور است، در کشورهای تابع هخامنشیان نیز رواج یافت ولی در یک را که از طلا بود خیلی کم سکه میزدند (قدیانی، ۱۳۸۷: ۲۴۴).

اگر بخواهیم به یافته های باستان شناسی بنگریم، می توانیم تا حدی چگونگی داد و ستد را در دوره هخامنشیان بیان نماییم. به طوری که می توان اذعان داشت اشیاء مبنی بر داد و ستد هخامنشی در ساتراپ های این حکومت به دست آمده است که بیانگر نظم تجاری و ارتباطی در این دوران می باشد. در واقع همگی آثار نشانگر آنند که در دوره ی هخامنشی با ایجاد نظام سیاسی متمرکز و تقسیم شاهنشاهی به ساتراپی های مختلف و همچنین متکی بودن آن به مالیات های اخذ شده از شهرها و بازرگانان شهری منجر به گسترش شبکه های ارتباطی و بازرگانی بین المللی هم از طریق دریا و هم از طریق خشکی در قلمرو شاهنشاهی شده است که برای دوام سازمان سیاسی آن زمان نیز ضرورت داشته است.

با شکل گیری شاهنشاهی شکوهمند هخامنشی، پارس ها دیگر با همان ساختارهای سیاسی و اقتصادی قبل نمی توانستند به اداره ی این قلمرو وسیع با اقوام و فرهنگ های گوناگون بپردازند و اینگونه بود که احتیاج به وسیله ی مبادله ی کالا احساس شد. در این دوران به جهت تسهیل داد و ستد و امور بازرگانی و همچنین یکنواخت ساختن وسیله ی مبادله ی کالا بین اقوام مختلف در سراسر حوزه ی پادشاهی، واحد پول و مسکوک رواج یافت. در این زمان داد و ستد و تجارت دارای دو جنبه بوده است. یکی جنبه ی محلی که شامل مبادله ی کالا بین مردم ده نشین و کوچ نشین و همچنین ساتراپ های داخلی می شده است که بیشتر شامل منسوجات و فرآورده های کشاورزی بوده است. به طوری که الواح مکشوفه از باروی تخت جمشید و نیز منابع مکتوب بر جای مانده از آن دوران، درباره ی این نوع تجارت شفاف سازی می نماید. جنبه ی دیگر تجارت بین ایالات مترقی حکومت و کشورهای همسایه که علاوه بر فرآورده های کشاورزی شامل اشیای زینتی از قبیل ظروف شیشه ای، نقره ای، طلایی و مهمتر از آن داده های سفالی می باشد. این مساله که بر اساس یافته های باستان شناسی کاملاً آشکار است، می تواند تا حدی به تجارت فرامنطقه ای هخامنشی تاکید داشته باشد و گنجینه های مکشوفه از قفقاز، حوزه ی دریای سیاه و آسیای میانه، روسیه و بلغارستان تا حد قابل توجهی می توانند نشانگر اهمیت این موضوع، هم از نظر فرهنگی و هم از نظر اقتصادی باشند.

کشاورزی

جامعه ی دوران هخامنشی به نوعی در زمینه ی اقتصاد به کشاورزی وابسته بوده است. در دوران هخامنشی کشاورزی معیشت غالب مردم را تشکیل می داده است. مسأله ی آب و نیاز ضروری به آن با در نظر گرفتن کمبود آب در ایران، برای توسعه ی کشاورزی منجر شده بود که مدیریت منابع آبی در دست شاهان هخامنشی قرار گیرد. از جهتی این شاهان با نوآوری هایی همچون تأسیس «هاتروها» در عصر کمبوجیه و یا حفر قنات توانستند کشاورزی پر رونقی را ایجاد نمایند. پارسیان به باغداری علاقه ی وافری داشته اند و پردیس های شاهی در سراسر قلمرو شاهنشاهی در همجواری قصرها دایر بوده است. حتی از محصولات کشاورزی جهت پرداخت مالیات در این دوره استفاده می شده است که بیشتر به صورت جنسی و شامل محصولاتی نظیر گندم، جو و شراب بوده است که خود مؤید اهمیت کشاورزی در این عصر است. از سویی دیگر دستمزد افراد نیز به صورت جنسی و از همین محصولات پرداخت می گردیده است. وجود انبارهایی در نقاط مختلف حکایت از وجود محصولات فراوان در این دوره دارد (حسینی بجدنی، ۱۳۹۳: ۱).

در دوران هخامنشیان وضعیت کشاورزی در شرق نزدیک تغییرات چشمگیری یافت. به طوری که تمامی زمین های قابل کشت به طور دقیق مساحی شدند (داندامایف، ۱۳۵۸: ۱۷) و در اختیار دارندگانشان چه زمینداران بزرگ و چه کوچک شناسایی شدند و احتمالاً سندی نیز دریافت نمودند. دگرگونی های مذکور بیشتر در شهرهای بزرگ شاهنشاهی آشکار شد و می توان گفت سازمان های بزرگی را جهت انجام این کارها در نظر گرفته اند که نمونه های امروزی آنها نیز موجود است. از جمله می

توان به سازمان کشاورزی و آبیاری، سازمان بازرسی تخلفات زمینداری، سازمان کارگری و غیره که همه ی اینها بایست گزارش کارنامه ی روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه ی خود را به دربار تحویل می دادند. در اثر فتوحات هخامنشیان قسمت اعظم اراضی به مالکیت پادشاه در می آمد. به طوری که کشاورزی مستقیماً در اراضی پادشاهان استقرار می یافت و آشکار است این امر از لحاظ خزانه هم آسان تر بوده است. پادشاهان هخامنشی برای کشاورزی و آبادانی زمین اهمیت بسیاری قائل بوده اند (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۵۹).

با توجه به آنچه گفته شد می توان دریافت که سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی بیشتر بر مبنای مالیات ها، تجارت و داد و ستد و کشاورزی انجام می یافته است. مالیات های اخذ شده از ساتراپی ها و تعیین فرمانروا برای هرکدام از آن ها، ایجاد جاده های بری و بحری که منجر به شکل گیری تجارت وسیع و جهانی شد، مطمئناً ایجاد رفاه اقتصادی را فراهم ساخته است. اینگونه بود که شهریاران هخامنشی تشویق به تولید بیشتر، فراهم کردن زمینه مناسب جهت توزیع و مبادله ی کالا و خدمات، ایجاد بانک خصوصی و توسعه ی کشاورزی را مورد توجه قرار دادند.

تحقق وحدت تمامی آسیای غربی، در زیر لوای امپراتوری هخامنشی، تقسیم این گستره ی وسیع به ایالت های مجهز به یک طرز اداره که از سوی مرکز مورد نظارت قرار می گرفت، ایجاد وسایط ارتباطی بین بخش های مختلف شاهنشاهی هخامنشی از طریق راه های خشکی و دریایی، دستگاه کاملاً متعادل تحصیل مالیات، ازدیاد منابع طلا در گنجینه های حکومتی، همگی عواملی هستند که تاکید بر اقتصاد بی نظیر امپراتوری هخامنشیان دارند که به عنوان قوه محرکه ای در گذشته وجود نداشته است. این ویژگی ها که به جهت سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی حاصل گردیده است، به حیات اقتصادی ایران جان و قدرت عظیمی بخشید.

سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی (نگارنده).

سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی
۱- ضرب سکه
۲- توسعه ی راه ها و شاهراه های تجاری در خشکی و دریا.
۳- برقراری امنیت راه ها و نیز مکانات برای کاروانیان در مسیر جاده ای.
۴- وارد نمودن وزنه ها و مقیاس ها.
۵- دریافت خراج بر اساس زر و سیم.
۶- اهمیت به توسعه ی کشاورزی و ارتقاء آبیاری.
۷- انتخاب حاکمانی در ساتراپی ها به منزله ی تسلط بیشتر بر امور اقتصادی.

بحث و نتیجه گیری نهایی

پژوهش حاضر که تحت عنوان بررسی شناخت سیاست های اقتصادی به کار گرفته شده توسط شاهان هخامنشی از منظر باستان شناختی بررسی اقتصاد هخامنشیان از منظر باستان شناختی صورت یافته است، نشان داد که سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی بیشتر بر مبنای مالیات ها، تجارت و داد و ستد و کشاورزی تاکید داشته است. از جمله مواردی که توانست در این دوران نوعی رفاه اقتصادی را فراهم نماید، شامل موارد زیر بوده است: ۱- مالیات های اخذ شده از ساتراپی ها و تعیین فرمانروا

برای هرکدام از آن‌ها. ۲- ایجاد جاده‌های بری و بحری که منجر به شکل‌گیری تجارت وسیع و جهانی شد. ۳- تشویق شهریاران هخامنشی به تولید بیشتر و فراهم کردن زمینه مناسب جهت تویض و مبادله‌ی کالا و خدمات. ۴- ایجاد بانک خصوصی و ۵- توسعه‌ی کشاورزی. همچنین می‌توان بیان داشت که در این دوران به جهت اهمیت بالای داد و ستد و تجارت جهانی به امورات راه و راه‌سازی و چگونگی راهداری، نسبت به قبل توجه ویژه‌ای شده است. به طوری که این مسئله با شتاب قابل توجهی همراه بوده است. نوآوری‌های داریوش اول در این خصوص نظیر ساخت راه شاهی و ایجاد سامانه‌ی چاپاری، رشد فزاینده‌ی امر بازرگانی جهانی ایفا نموده است که در کنار توجه به راه‌های دریایی و داد و ستد و تجارت از این طریق، رفاه اقتصادی قابل توجهی را فراهم نموده است.

سازمان راهداری و سامانه‌ی چاپاری، زمینه‌ای مساعد را جهت ایجاد شاهراهی بازرگانی آن‌هم در سطح جهانی، با تبدیل راه خراسان به راه ابریشم، فراهم ساخته بود. قابل ذکر است که تحقق وحدت تمامی آسیای غربی در زیر سیطره‌ی امپراتوری هخامنشیان، تقسیم گستره امپراتوری شان به ایالت‌های مجهز به یک طرز اداره که از سوی مرکز مورد نظارت قرار می‌گرفت، ایجاد وسایط ارتباطی بین بخش‌های مختلف شاهنشاهی هخامنشی از طریق راه‌های خشکی و دریایی، دستگاه کاملاً متعادل تحصیل مالیات، ازدیاد منابع طلا در گنجینه‌های حکومتی، همگی عواملی هستند که تاکید بر اقتصاد بی نظیر این دوران داشته‌اند.

از نکات قابل توجه دیگر که در زمینه‌ی اقتصادی تحولاتی را به جهت رشد آن فراهم ساخته است، در نظر گرفتن وزنه‌ها و مقیاس‌ها در همه اقطار شاهنشاهی و خصوصاً سکه بوده است. به طوری که منجر به تشویق تجارت خارجی گردید. در واقع می‌توان اذعان داشت که تدابیر و رویکرد‌های پادشاهان هخامنشی، ظهور رفاه اقتصادی قابل توجهی در این سرزمین را امکان پذیر نموده است. به طوری که این رفاه و چگونگی اقتصادی در آن دوران دارای بازتابی جهانی نیز بوده است؛ بنابراین با توجه به نتایج پژوهش کنونی سیاست اقتصادی پادشاهان هخامنشی شامل موارد زیر بوده است: ۱- ضرب سکه. ۲- توسعه‌ی راه‌ها و شاهراه‌های تجاری در خشکی و دریا. ۳- برقراری امنیت راه‌ها و نیز مکانات برای کاروانیان در مسیر جاده‌ای. ۴- وارد نمودن وزنه‌ها و مقیاس‌ها. ۵- دریافت خراج بر اساس زر و سیم. ۶- اهمیت به توسعه‌ی کشاورزی و ارتقاء آبیاری و ۷- انتخاب حاکمانی در ساتراپی‌ها به منزله‌ی تسلط بیشتر بر امور اقتصادی.

منابع

۱. احتشام، مرتضی، (۱۳۵۵)، ایران در زمان هخامنشیان، کتاب‌های جیبی، تهران.
۲. اسدی، علیرضا، (۱۳۸۹)، نقش هخامنشیان در جنگ‌های پلویونزی و تاثیر آن بر ساختار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هخامنشیان، استاد راهنما: روزبه زرین کوب، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
۳. اومستد، ات، (۱۳۸۶)، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، مترجم: محمد مقدم، امیرکبیر، تهران.
۴. بابایی توسکی، مهناز، (۱۳۹۱)، بررسی اوضاع اقتصادی، اداری و اجتماعی ایران در زمان داریوش یکم (۴۸۶-۵۲۱ پ.م)، استاد راهنما: علاءالدین آذری، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۵. بابلون، ارنست، (۱۳۸۸)، سکه‌های ایران در دوران هخامنشی، مترجم: ملک زاده بیانی؛ خان بابا بیانی، نشر انجمن مفاخر فرهنگی؛ نشر پازینه، تهران.

۶. بریان، پیر، (۱۳۷۷)، تاریخ امپراتوری هخامنشیان از کورش تا اسکندر، مترجم: مهدی سمسار، ج اول، نشر زریاب، تهران.
۷. تندولی، سارا، باقری لری، محمد رضا، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی نقوش مهرها و سکه های هخامنشی، همایش بین المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی، سازمان ها و مراکز دولتی، موسسه ی سفیران فرهنگی مبین.
۸. حسینی بجندی، فرشته سادات، (۱۳۹۳)، «کشاورزی و مشاغل مربوط به آن در عصر هخامنشی»، اولین کنگره ملی زیست شناسی و علوم طبیعی ایران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۹. داندامایف، م.آ، (۱۳۵۸)، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، مترجم: روحی ارباب، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۰. زیدی، سمیه، نعمت پور، طیبه، (۱۳۹۲)، تاریخ ایران: باستان - اسلامی، چاپ اول، انتشارات فرهیختگان دانشگاه، تهران.
۱۱. سامی، علی، (۱۳۸۹)، تمدن هخامنشی (جلد اول)، چاپ دوم، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. سامی، علی، تمدن هخامنشی، (۱۳۴۲)، ج اول، شیراز، نشر و چاپ فولادوند.
۱۳. سرفراز، علی اکبر، آورزمانی، فریدون، (۱۳۸۹)، سکه های ایران؛ از آغاز تا دوران زندیه، انتشارات سمت، تهران.
۱۴. سلطان زاده، حسین، (۱۳۶۵)، «مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران»، نشر آبی، تهران.
۱۵. طاهری، صدرالدین، (۱۳۹۰)، پی جویی ریشه هنر رسمی در دوره هخامنشیان از فرهنگ های شکل دهنده آن امپراتوری، رساله دکتری رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۶. عبدالخانی، محمد، (۱۳۹۲)، نظام اداری هخامنشیان و ملل تابعه (با تاکید بر بین النهرین، مصر و یونان)، استاد راهنما: محسن قائم مقامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گرایش تاریخ ایران باستان، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
۱۷. قدیانی، عباس (۱۳۸۷)، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره هخامنشیان، نشر فرهنگ مکتوب، تهران.
۱۸. کوک، جان مانوئل، (۱۳۸۶)، شاهنشاهی هخامنشی، مترجم: مرتضی ثاقب فر، نشر ققنوس، تهران.
۱۹. کالیکان، ویلیام، (۱۳۸۴)، باستان شناسی و تاریخ هنر در دوران مادی ها و پارسی ها، مترجم: گودرز اسعد بختیار، نشر موسسه پازینه، چاپ اول تهران.
۲۰. گزنفون، کوروش نامه، (۱۳۸۰)، مترجم: رضا مشایخی، علمی و فرهنگی، تهران.
۲۱. گیرشمن، رومن، (۱۳۸۸)، ایران از آغاز تا اسلام، مترجم: محمد معین، چاپ اول، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، تهران.
۲۲. لیندزی، آلن، (۱۳۹۰)، تاریخ امپراتوری ایران، مترجم: عیسی عبدی، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۲۳. محمود آبادی، سید اصغر، زلفی، مرتضی، (۱۳۹۰)، «تاثیر مسکوکات هخامنشی در تغییر شرایط اقتصادی دنیای قدیم (قرن پنجم و چهارم. م)»، نشریه تاریخ، دوره ۶، شماره ۲۱، تابستان ۹۰: ۱۶۸-۱۵۲.
۲۴. نظری، سامر، سلحشور، علی اصغر، نوروزی، مهران، (۱۳۹۱)، «بررسی تجارت و مبادلات بازرگانی در دوره هخامنشی با تمرکز بر اشیا و داده های باستان شناسی مکشوفه از گنجینه های منتسب به هخامنشیان»، مجله کندوکاو، شماره ششم، سال چهارم، پاییز و زمستان ۹۱: ۵۶-۳۷.
۲۵. هرودوت، تاریخ، (۱۳۳۹)، ترجمه هادی هدایتی، ۶ جلد، نشر دانشگاه تهران، تهران.
۲۶. هرودوت، تواریخ، (۱۳۶۸)، مترجم: غلامعلی وحید مازندرانی، نشر دنیای کتاب، تهران.
۲۷. هینتس، والتر، (۱۳۸۷)، داریوش و پارس ها، مترجم: عبدالرحمن حیدریه، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲۸. ولایتی، رحیم، (۱۳۸۸)، چگونگی ساخت کانال سوئز توسط داریوش و بررسی تأثیر سیاسی - اقتصادی آن در دوره هخامنشیان»، مجله مطالعات باستان شناسی، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان ۸۸.
۲۹. ویسهوفر، یوزف، (۱۳۷۸)، ایران باستان از ۵۵۰ ق.م تا ۶۵۰ پس از میلاد، مترجم: مرتضی ثاقب فر، چاپ دوم، نشر ققنوس، تهران.
۳۰. ویسهوفر، یوزف، (۱۳۷۸)، ایران باستان، مترجم: مرتضی ثاقب فر، نشر ققنوس، تهران.
۳۱. ویسی، مهسا، (۱۳۹۳)، تحلیل بازتاب حضور سیاسی - هنری هخامنشیان در مناطق آذربایجان ارمنستان و گرجستان باتوجه به کاوش های اخیر باستان شناسی، رساله دکتر رشته باستان شناسی گرایش دوران تاریخی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۳۲. یوسف جمالی، محمد کریم، جدیدی، ناصر، شهبادی، علی اکبر، (۱۳۹۲)، «نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ نشین های غربی ایران در شاهنشاهی هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م)»، پژوهش های تاریخی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، تابستان ۹۲: ۵۲-۳۷.
33. Alarm, M. (1994), "Iranian coind & mints: Achaemenid dynasty daric The Achaemenid Currency", Eycyclopaedia Iranica.
34. Chachi, A. (2005), "origin and development of commercial and Islamic banking operations", J.KAU: Islamic Econ., Vol.18, No. 2, pp. 3-25(2005 A.D/1426 A.H).
35. Dandamayev, M.A. (1993) "Commerce II. in the Achaemenid period": Encyclopaedia Iranica, vol. 6, pp. 59-60.
36. Hallock, Richard Treadwell. (1969). Persepolis fortification tablets. Vol. 92. University of Chicago Press.